

«منطق ماشین دودی؛ مطهری و جامعه‌شناسی آلترناتیو» منتشر شد

کتاب «منطق ماشین دودی؛ مطهری و جامعه‌شناسی آلترناتیو» به قلم دکتر سیدجواد میری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط انتشارات آکادمی مطالعات ایرانی لندن منتشر شد.



کتاب «منطق ماشین دودی؛ مطهری و جامعه‌شناسی آلترناتیو» به قلم دکتر سیدجواد میری، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توسط انتشارات آکادمی مطالعات ایرانی لندن منتشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، بسیاری از جامعه‌شناسان در تلاش هستند «جامعه» را به «ساختارها» و «عاملیت‌ها» تقلیل داده و تصویری راسیونال (خشک و بی‌روح) از اجتماع انسانی ارائه دهند. یکی از دلایل مهم این امر، رشد و فراگیر شدن «نظام بروکراتیک» دولت مدرن است که این شائبه را ایجاد نموده که جامعه «موجودیتی مکانیک» است و اعضای آن چنان به یکدیگر متصل هستند که دولت با سیاست‌های خود و انسان با «رفتارهای» خود، قادر به ایجاد تغییر و تحول در آن است.

ناگفته پیداست این سخنان بازگو کننده تمام «واقعیت» نیست، بلکه تنها بهره‌ای از آن دارد. به زبان دیگر، جامعه همچون «کوه یخی» است که اعماق آن تنها با ارجاع به نهادها، سازمان‌ها، عاملیت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قابل فهم نیست و تغییر در آن با تغییر این عوامل امکان‌پذیر نخواهد بود. هر جامعه دارای سرچشمه‌های عاطفی، اسطوره‌ای، مذهبی و احساسی بسیاری است که مجموع این «سرچشمه‌های لطیف» (Ethereal Sources) چیز است که با مفهوم «سرمایه قدسی» از آن یاد می‌نماییم. این سرمایه قابل تقلیل به یک یا دو عامل نیست، بلکه مجموعه عواملی است که «سرمایه قدسی» را به صورت انرژی درونزا در هر فرهنگ، تمدن، سرزمین، ملت یا امت درمی‌آورد.

این سرمایه به صورت خفته در اعماق ساختارها، عاملیت‌ها، نهادها و سازمان‌ها زیست می‌کند و در مواقعی که رکود، جمود، سکون و انجماد رخ می‌دهد با انفجاراتی موجبات ترکیبات نوین - مانند ترکیبات ژنتیکی - را رقم می‌زند. مطهری، سید جمال، علامه اقبال، شریعتی، طالقانی، بهشتی، شهید صدر، امام موسی صدر، امام خمینی، علامه طباطبایی، علامه جعفری و ... از اندیشمندانی هستند که از «سرمایه قدسی» جامعه انسانی غافل نبوده و از آن برای تغییر پارامترهای جامعه استفاده نمودند البته این نکته را باید مورد امعان نظر قرار داد که «سرمایه قدسی» نوعی از سرمایه است که «انحصارپذیر» نیست و به محض «منحصر گشتن» در یک قالب - مثلاً به دست حکومت - در حافظه جمعی مخدوش خواهد شد و به «ناخودآگاه جمعی» منتقل خواهد گردید و «قدرت تجمیع» و جنبشی خود را از دست خواهد داد.

در چنین وضعی جامعه «حیویت» خود را از دست داده و «قلق» جایگزین آن خواهد گشت. صد سال پیش از وقوع این رویداد در ایران، اروپا «قلق» را تجربه نمود، چرا که «نظام ایدئولوژیک حکومتی» تمام قدرت خود را به کار بست تا «حافظه جمعی» را آن‌گونه مدیریت نماید که ایدئولوژی حاکم صحیح می‌دانست. این اتفاق اکنون نیز در ایران در حال وقوع است. مطهری از معدود اندیشمندانی است که به قوه خلاقه «سرمایه قدسی» پی برده بود. اما سخن اینجاست که آیا او متوجه «انحصاری نمودن» این سرمایه توسط «حکومت اسلامگرا» بود یا خیر؟ آیا اسلامگرایان به عوامل تخریب سیالیت و حیویت «سرمایه قدسی» توجه می‌نمودند یا خیر؟ در اثر پیش‌رو تلاش بر این است تا از این منظر موضوع را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

چگونه مطهری «متا» شد؟، مطهری از بنیانگذاران اسلامیزه با گرایش دموکراتیک، تعلیم و تربیت و شهروند آگاه، مطهری و جامعه‌شناسی آلترناتیو، غرب‌شناسی و نسبت آن با ما، سقف تعقل، ذهنیت و فرهنگ، جهان بینی و تأثیر آن بر علوم انسانی، احیای تفکر دینی، منطق ماشین دودی عناوین فصلهای دهگانه این اثر است.